

فیلم‌اولی‌های دهه ۹۰ را بررسی کرده‌ایم، کارگردان شدن ۳ راه بیشتر ندارد

## پدر، عشق، شهرت

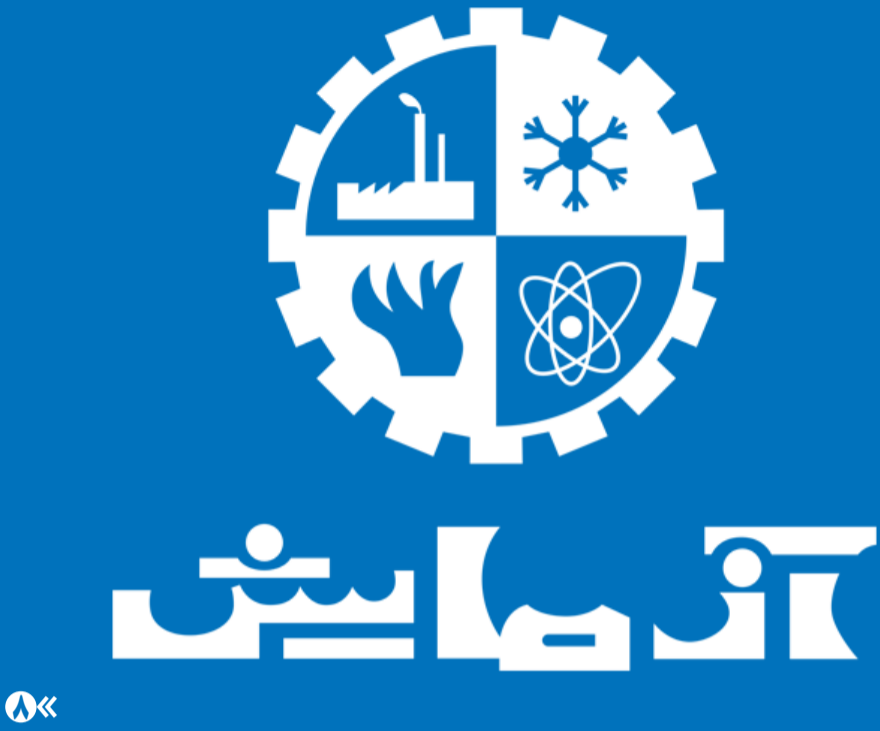


۳، ۳، ۳

کارخانه ۶۱ ساله «آزمایش» با ظرفیت تولید یک میلیون دستگاه لوازم خانگی در سال در آستانه تعطیلی همیشگی است

# مانع خواب‌آبدی آزمایش شوید

فرماندار مرودشت به «فرهیختگان» گفت: ۳ سرمایه‌گذار به شهر آوردیم ولی از تهران برای‌شان مشکل ایجاد کردند، عده‌ای چوب حراج به اموال آزمایش زدند



پرونده تا بهارستان «فرهیختگان»  
بخش دوم: جبهه پایداری

## پایداری بر فروع



۱، ۱۶، ۱۵

«فرهیختگان» در گفت‌وگوهایی با مدیران شرکت‌های دانش‌بنیان  
وعده اخیر وزیر نفت را بررسی کرده است

## حمایت‌کلامی یا عملی؟

۸

گفت‌وگوی «فرهیختگان» با نماینده ولی فقیه در استان خوزستان  
و یک فعال اجتماعی درباره تحولات خوزستان



## آقایان! خوزستانی‌ها به خاطر انقلاب سکوت کردند

۱۶

سر مقاله

## پایداری؛ نرم‌افزاری که ۸ سال است به روز نشده



محمد زعیمرزاده  
جان‌سین سردبیر

برای ارزیابی ایده‌های سیاسی یک جریان پس از چند سال باید به دو جنس سوال مهم پاسخ بدهیم؛ دسته اول اینکه منطبق و اهداف اولیه آنها در زمان تاسیس چه بوده است؟ آیا آن مجموعه توانسته به شعارها پایبند بماند؟ آیا توانسته آنها را به عرصه اجتماعی بکشانند؟ و دوم اینکه آن شعارها چه نسبتی با اقتضات و مسائل روز دارد یا نه و آن گروه توانسته ضمن حفظ و ارتقای محتوا در روش‌ها خود را به‌روز کند یا نه؟ جبهه پایداری هم مانند هر مجموعه دیگری از این قاعده مستثنی نیست و می‌توان با این روش آنها را ارزیابی کرد.

### پایداری و یک مانیفست نانوشته:

جبهه پایداری مولود انتخابات مجلس نهم است، یعنی اولین انتخابات بعد از ۸۸ این مجموعه سیاسی در شرایطی سامان گرفت که حامیان رویکردهای انقلابی دولت اول احمدی نژاد از ۸۸ به بعد دولتی دیگر می‌دیدند که با جهت‌گیری‌های اولیه تفاوت فاحش داشت.

احمدی نژاد انتخابات قطعی شده ۸۸ برده بود، انتخاباتی که در آن همه شکاف‌های سیاسی و اجتماعی ممکن فعال شده بود، او توانسته بود در غوغا و هیاهوی دوگانه‌های متدین-سکولار، مستضعف-متمول و توده-نخبه سید رای خود را از بخش‌های اول پر کند و بر اقدامی بلندپروازانه از فردای انتخابات طراحی کرده بود که پایگاه اجتماعی رقیب را هم هدف قرار دهد.

اسفندیار رحیم‌مشایی مامور این کار بود. تشخیص احمدی نژاد این بود که می‌تواند با یک نمایش حداکثری در حوزه مباحث آزادی‌های اجتماعی و با استفاده از پول‌پاشی بین سلب‌رئی‌ها یا ترویج ادبیات باستان‌گرایانه کاری کند کارستان و ۲۴ میلیون خرداد ۸۸ را تبدیل به ۴۰ میلیون کند و چهار سال بعد هم به سبک پوتین و مددوف قدرت را به یکی از اعوان و انصارش بدهد و با تکرار این چرخه حالا حالا کلیددار پاستور باشد. البته آنقدر نمایش مبتذل بود که سرکنگبین صفرا فرود، نه تنها کسی از پایگاه رقیب جذب نشد، بلکه متدینینی که بدنه رای‌ساز او در انتخابات‌های ۸۴ و ۸۸ بودند هم به دولت بدبین شدند.

از سوی دیگر رفتن به سوی حاشیه‌ها و رها کردن مسائل اصلی کشور هم داشت روی عملکرد اقتصادی و پایگاه جذب‌شده از این مسیر تأثیر می‌گذاشت. جبهه پایداری در چنین شرایطی تاسیس شد تا نسخه اصلی گفتمانی دولت به انحراف‌رفته احمدی نژاد باشد و بتواند دوباره دوگانه مستضعفین و متدینین را جمع بزند و البته گفتمان استقلال را هم پرچمداری کند. با این بک‌گراند تاریخی حالا و بعد از گذشت حدود هشت سال از تاسیس می‌توان ارزیابی نسبی از عملکرد پایداری و این مانیفست نانوشته داشت.

### پایداری و عدالت از دست رفته:

پایداری خیلی سریع مهم‌ترین مزیت گفتمانی دولت احمدی نژاد را از دست داد، وینترینی که این مجموعه سیاسی تاکنون از خود نشان داده است تقریباً هیچ‌ربطی به عدالت و مستضعفان ندارد، جبهه پایداری که ارتباط وثیقی با موسسه آموزشی امام خمینی (ره) به ریاست آیت‌الله مصباح هم دارد حتی نتوانسته در این مدت هشت‌ساله یک مانیفست عمیق، روشن و کاربردی از موضوع عدالت ارائه دهد، در حوزه عمل هم در مدت شش‌ساله دولت روحانی که به دلیل طرد گفتمانی عدالت ادبیات عدالتخواهی زمینه و امکان بازتولید

بیشتری داشته است، اقدام موثری از سوی پایداری نشد تا کار به جایی رسید که حتی بدنه متدین و حزب‌اللهی هم به دردت یا غلط برخی چهره‌های منفرد و بعضاً متضاد سیاسی-اجتماعی مانند صدراالساداتی، مجید حسینی و... را بیشتر به کنشگری درخصوص عدالت اجتماعی می‌شناسند تا جبهه پایداری. در حوزه تأمین مسکن برای مستضعفان، بحث عدالت آموزشی، مالیات اقسار پردرآمد، تبعیض در حوزه بهداشت و درمان عمومی و... تقریباً هیچ کنش اثربخشی در حد بضاعت و ادعای پایداری از این مجموعه سیاسی دیده نشد، مجموعه مواضع و البته ایده‌های ایجابی جبهه پایداری -اگر وجود داشته باشد- به گونه‌ای نیست که در افکار و آرا عمومی دگر و آلترناتیو نتولیرالیسم خشن حاکم بر دولت حسن روحانی تفسیر شود. لذا می‌توان گفت امروز جبهه پایداری خیلی در افکار عمومی گزیننه اول عدالتخواهان به شمار نمی‌رود.

### پایداری و استقلال:

حاکم شدن دولتی با مختصات فکری حسن روحانی و شکست ایده آن علاوه بر امکان بازتولید ادلای طردشده عدالت، زمینه‌های بازتولید گفتمان استقلال را هم فراهم می‌کند، اعضای جبهه پایداری در مجلس و پیوست‌های رسانه آنها از همان روزهای آغازین مذاکرات و ماجرای برجام صفت‌بندی آشکاری علیه اصل مذاکره داشتند و قطب مخالفت حداکثری را شکل دادند، ساده‌سازی مساله و تبدیل ماجرا به دو قطب موافق و مخالف مذاکره و هر نوع توافقی یکی از اتفاقاتی بود که حسن روحانی توانست در آن مقطع به مدد آن برجام را راحت‌تر در افکار عمومی پیش ببرد، شاید اگر با تدبیر بهتر دو قطبی اصلی حول مساله توافق خوب و توافق بد شکل می‌گرفت کار روحانی در داخل به این راحتی نبود. مساله بعدی این است که در همین چارچوب هم رفتار جبهه پایداری ذیل ادبیات سعید جلیلی تعریف می‌شود، به این معنا که او به سبب مسئولیتی که در مذاکرات هسته‌ای در دوره قبلی داشته است در افکار عمومی بیشتر از پایداری این گفتمان را نمایندگی می‌کند، پایداری و جلیلی قریابت‌های مهمی با هم دارند، اما هر دو می‌دانند که دقیقاً یکی نیستند کما اینکه گزینه اول و اصلی جبهه پایداری در انتخابات ۹۲ که سعید جلیلی هم حضور داشت فرد دیگری بود.

### بدنه ایدئولوژیک و دو ابهام:

از بین حامیان احمدی نژاد در انتخابات ۸۸ مهم‌ترین بخشی که با پایداری همراهی دارد بدنه ایدئولوژیک یا ارزشی این جریان است، حضور آیت‌الله مصباح یزدی به عنوان ایدئولوگ در راس پایداری در این ماجرا مهم است، وی به عنوان عالمی که در دوره موسوم به دوم خرداد هزینه‌های فراوانی برای مبارزه با سکولاریسم داده مورد احترام طیف‌های ارزشی جامعه است. از این روز مزیت نسبی اصلی جریان پایداری برخورداری از اقبال نسبی در این پایگاه است. البته دو عامل می‌تواند این مزیت را تا حدودی تحت‌الشعاع قرار دهد، اول اینکه تغییر زیست جهان و دگردیسی الگوی ترجیحات در جامعه که شبیه آن به نفع فردگرایی است روی سلب و سبک سیاست‌ورزی و الگوهای ذهنی قشر متدین هم تأثیر گذاشته و ممکن است در حمایت از ایده پایداری به آن شدت و غلظت قبل نباشند. از سوی دیگر رفتار سیاسی جبهه پایداری در برخی انتخابات‌ها خصوصاً در سال ۹۲ به گونه‌ای بوده است که بخشی از همین طبقه متدین جامعه هم آنها را از عوامل شکست‌های سیاسی قلمداد می‌کنند، لذا ممکن است از منظر اندیشه‌ای با پایداری همراهی داشته باشند اما لزوماً به روش سیاست‌ورزی‌شان خوش‌بین نیستند.

ادامه در صفحه ۱۵

یادداشت

## سوخت مردم، سوخت دولت

آشکار و ملموس منحصر می‌شود؟ پاسخ قطعاً منفی است. برای فهم هزینه‌هایی که اجرای دکترین «شوکت‌درمانی» در چارچوب سیاست‌های «تعدیل ساختاری» بر کشور تحمیل کرده و می‌کند ذکر محورهای زیر لازم به نظر می‌رسد: ۱- سیاست‌های تعدیل ساختاری، در هر جای جهان و خاصه در کشورهای درحال توسعه عملیاتی شده است (از آمریکای جنوبی تا آسیا و شرق اروپا)، بازتولیدکننده خشونت، فقر و اعتراض اجتماعی بوده است. اما نبود ظرفیت یادگیری در دولت‌های این کشورها، عملاً چرخه بازتولید این سیاست‌ها را ادامه داده است. صورت‌بندی مساله قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی با مفهوم «یارانه‌های پنهان» نیز محل خدشه‌است؛ زیرا مبتنی بر فرض غیرواقع‌بینانه است. در این دیدگاه، «یارانه پنهان» انرژی عبارت است از مابه‌التفاوت ارزش حامل‌های انرژی در داخل کشور براساس قیمت مرجع و وجوهی که از مصرف‌کنندگان دریافت می‌شود. در مورد حامل‌هایی مانند بنزین که قیمت‌های جهانی دارند، قیمت فوب خلیج فارس در قانون هدفمندی یارانه‌ها مبنای قرار گرفته است که از اساس اشتباه است؛ چراکه تعادل در بازارهای داخلی اقتصادی باید مبنای قیمت‌گذاری کلیدی قرار گیرد. در ثانی این مفهوم به‌شدت به نرخ ارز و نوسانات بازار ارز وابسته است. بنابراین عدم‌النتفع فروش دولت از انرژی، به یک معنا یارانه نیست؛ چراکه فرض می‌کند کل انرژی مصرفی در داخل را می‌تواند در خارج از کشور به فروش برساند؛ در حالی که نه امکان فنی و نه امکان اقتصادی آن وجود ندارد. در برخی روش‌ها، یارانه پنهان را اختلاف بین قیمت‌فروش تکلیفی با قیمت‌تمام‌شده آن در نظر می‌گیرند. اما ارزیابی قیمت‌تمام‌شده انرژی در ایران تاکنون به‌طور دقیق و علمی انجام نشده است. ۲- تاکید و تمرکز راهبردی بر ابزارهای قیمتی در تغییر رفتار مصرف‌کننده، علاوه بر انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی ناقص‌ترین شوکت‌درمانی در منطق تعدیل، به‌غایت غیرواقع‌بینانه و غیرمنطبق با واقعیت جامعه ایران امروز است. در بلندمدت، مصرف بنزین و سایر حامل‌های انرژی در صورت نبود کالای جانشین، به جهت کشش پایین، تغییر محسوسی نخواهد کرد. قطعاً اجرای قانون توسعه حمل‌ونقل عمومی مصوبه ۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی، بر آنکه به این روش‌های قیمتی ترجیح دارد. ضمن آنکه سهمیه‌بندی منطقی و استفاده از کارت سوخت که به‌صورت غیرمنطقی مهرماه ۱۳۹۵ حذف شد، می‌توانست به‌عنوان دیگر ابزارهای کم‌عمر قیمتی استفاده شود. عدم بهره‌گیری از ابزارهای غیرقیمتی و حرکت معقول و منطقی در اصلاح قیمتی بنزین، در بلندمدت چالش قیمت‌گذاری حامل‌های انرژی را برای اقتصاد ایران حل نخواهد کرد. تمرکز بر ابزارهای قیمتی برای مدیریت مصرف، در بلندمدت فاقد کارایی و اثربخشی است و تنها دارای آثار کوتاه‌مدت مقطعی است؛ مگر آنکه بسته‌های مکمل این اصلاح قیمتی پیش‌بینی و اجرایی شود. این سیاست قیمتی، تأثیر محسوس روی کاهش قاچاق سوخت نیز دارد؛ زیرا اولاً بخش عمده قاچاق مربوط به گازوئیل است نه بنزین (کمتر از یک چهارم برای بنزین است) و در ثانی قاچاق با قیمت‌های جدید نیز به‌صرفه است. سهم بنزین از مجموع یارانه‌ها فرآورده‌های نفتی، ۸ درصد و سهم «گازوئیل» حدود ۶۸ درصد است. بنابراین سیاست‌گذاری در مورد بنزین با هدف اصلاح و کاهش یارانه انرژی در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرد.

ادامه در صفحه ۲

انا لله و انا الیه راجعون

سرکار خانم راحله سماواتیان

درگذشت پدر بزرگوارتان را به شما و خانواده محترم تان تسلیت می‌گویم  
و از خداوند منان برای آن مرحوم غفران و رضوان الهی و برای بازماندگان  
صبر جمیل و اجر جزیل خواستارم.

عبدالله جاسبی، رئیس دفتر مطالعات و تدوین تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی